

## دستمزد کارگران و همسان سازی بازنشستگان در انتظار فروکش کردن بحران

# مزدبگیران در عمق بحران تعمیق شونده کرونا



نسر بن هزاره مقدم

زندگی و معاش دستمزدبگیران از همیشه داغ تر است. کلیات لایحه بودجه ۹۹ که در آذر ماه به مجلس ارائه شد و مدتی طولانی در کمیسیون تلفیق در مورد ساختار و مختصات آن بحث و مجادله صورت گرفت، پس از انتخابات دوم اسفند ماه، در صحن علنی مجلس مردود دانسته شد و دوباره به کمیسیون تلفیق برگردانده شد. بحث‌های چالش برانگیز در لایحه بودجه ۹۹ که مربوط به دغدغه‌های روزمره و معیشتی مردم مزدبگیر می‌شود، بسیار است؛ اما مهمترین آنها، میزان افزایش حقوق کارمندان شاغل و بازنشسته دولت، تعیین اعتبار برای همسان سازی مستمری بازنشستگان صندوق ها بجز صندوق تامین اجتماعی، تعیین اعتبار برای اجرای طرح رتبه بندی معلمان و تعیین مختصات مالیات بر درآمد مزدبگیران است اما به نظر می‌رسد بجز دو مورد (تعیین مکانیسم افزایش حقوق و مستمری مزدبگیران دولت و تعیین اعتبار برای رتبه بندی معلمان) موارد دیگر «فعلاً» تا فروکش کردن بحران رونق با تکلیف ماندنند و مشخص نیست چه زمانی قرار است نتیجه نهایی در مورد این مولفه‌ها حاصل شده و به نگرانی‌های مزدبگیران خاتمه داده شود.

**بحث‌هایی که تعیین تکلیف شدند**

یازدهم اسفند ماه، هادی قوامی، سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه بودجه کشور، در نشست خبری خود در صحن مجلس گفت: طبق مصوبه کمیسیون تلفیق بنا شد برای افزایش حقوق در سال ۹۹ که به این شکل اقدام شود که تمام حقوق بگیری که در سال ۹۸ حداقل حقوقشان

بازنشستگان صندوق کشوری نگرانی‌هایی دارند؛ آنها می‌گویند قرار است کف دریافتی به ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان برسد و آنجا که بیش از ۵۰ درصد افزایش پایه حقوق در فیش‌های حقوقی میسر نیست، قرار است باقی افزایش را در مزایای مزی ماهانه شاغلان دولت ببینند اما برای ما بازنشستگان که شامل مزایای مزی مثل پایه حقوقی یا اضافه کار ماهانه نمی‌شویم و حقوقمان ثابت است، چطور قرار است دریافتی ماهانه را به ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان برساند؟! با وجود همه این ابهامات، می‌توان گفت تکلیف مزدبگیران دولت از نظر میزان افزایش دریافتی ماهانه تا حدود زیادی مشخص شده است؛ در مورد «رتبه بندی معلمان» نیز یازدهم اسفند ماه، جلال میرزایی، عضو کمیسیون تلفیق بودجه، گفت: «رتبه بندی معلمان یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه فرهنگی است چه آنها که سر کار هستند و چه آنهایی که بازنشسته‌اند که امروز در کمیسیون بحث شد در چه قالبی این رتبه بندی را انجام دهند. بنابراین ۶۰۰۰ میلیارد تومان برای رتبه بندی معلمان در نظر گرفتیم که تقریباً همه اعضای کمیسیون گفتند شاید این مقدار بتواند بخشی از مطالبات این جامعه را تامین کند.»

به این ترتیب، اعتبار رتبه بندی معلمان نیز تقریباً دو برابر شده است (قبل از رایج دوباره لایحه بودجه به کمیسیون تلفیق، این اعتبار فقط ۳۵۰۰ میلیارد تومان بود)، البته همچنان معلمان نگران چگونه تحقق این اعتبار هستند و می‌گویند باید محمل‌های قابل تحقق و قطعی برای تامین این اعتبار دیده شده و دولت به صرف این پول، «هلمز» شود.

**بحث‌هایی که معطل مانده است**

با همه اینها، با تعطیلی کار مجلس و توقف ناگزیر بررسی لایحه بودجه در کمیسیون تلفیق، یکی از مهمترین مطالبات بازنشستگان کشوری که تامین اعتبار برای اجرای همسان سازی است، همچنان بلا تکلیف است و این پرسش

همچنان بی پاسخ مانده که آیا نمایندگان عضو کمیسیون تلفیق بودجه، اعتبار ۶ هزار میلیارد تومانی و ناکافی همسان سازی را افزایش خواهند داد یا خیر؟

آیادر حالی که کمترین اعتبار لازم برای اجرای یک همسان سازی حداقلی که فقط بازنشستگان صندوق کشوری را در بر بگیرد، ۱۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان است، آیا نمایندگان حداقل ۴ هزار میلیارد تومان به اعتبار فعلی همسان سازی در لایحه بودجه خواهند افزود و آن را به مرز ۱۰ هزار میلیارد تومان، نزدیک خواهند کرد؟

هفتم اسفند ماه، پس از رد شدن کلیات لایحه بودجه در صحن علنی مجلس، سید کاظم دلخوش اباتری، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در رابطه با اعتبار همسان سازی گفت: افزایش مناسب حقوق بازنشستگان در گروه لحاظ ۱۰ هزار میلیارد تومان اعتبار در بودجه سال ۹۹ برای موضوع همسان سازی است. وی تاکید کرد: بر اساس برنامه ششم توسعه، دولت موظف است حقوق بازنشستگان را طی پنج سال به گونه‌ای افزایش دهد که تناسبی بین حقوق بازنشستگان با شرایط شغلی مشابه باشد. در حال حاضر و علیرغم گذشت ۳ سال از تصویب قانون برنامه ششم توسعه، دولت نتوانسته اقدام موثری برای اجرایی شدن این قانون انجام دهد.

بنابراین، بازنشستگان «فعلاً» باید منتظر بازگشایی مجلس و شروع بررسی مجدد لایحه بودجه در کمیسیون تلفیق بمانند تا تکلیف اعتبار همسان سازی مشخص شود. آیا در حالیکه کمترین اعتبار لازم برای اجرای یک همسان سازی حداقلی که فقط بازنشستگان صندوق کشوری را در بر بگیرد، ۱۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان است، آیا نمایندگان حداقل ۴ هزار میلیارد تومان به اعتبار فعلی همسان سازی در لایحه بودجه خواهند افزود و آن را به مرز ۱۰ هزار میلیارد تومان، نزدیک خواهند کرد؟

**بهرام حسنی نژاد، فعال کارگری: «تا زمانی که کارگران تشکل‌های منسجم و ساختار یافته ندارند، قدرت تأثیر گذاری چندانی در جلسات مزی نخواهند داشت؛ اما با این حال، نباید از احقاق حق و پافشاری بر اجرای قانون دست بکشیم؛ دستمزدی که کف هزینه‌ها را تامین کند، بدیهی ترین حق طبقه کارگر است.»**

و اما در مورد کارگران نیز، تعیین تکلیف دستمزد همچنان بر زمین مانده است؛ پنج اسفند ماه در جلسه کمیته دستمزد، رقم سید معاش حدادلی (موضوع بند و ماده ۴۱ قانون کار)، ۴ میلیون و ۹۴۰ هزار تومان تعیین شد و قرار بود ظرف مدت یک هفته از آن تاریخ، جلسه رسمی شورای عالی کار برای تعیین افزایش حداقل دستمزد و سایر سطوح مزی برگزار شود تا کارگران بدانند در فروردین ۹۸ قرار است چقدر حقوق بگیرند؛ با این وجود، هنوز خبری از برگزاری جلسه نیست و دعوتنامه‌ها به دست نمایندگان کارگری نرسیده است؛ این در حالیست که نمایندگان کارگری شورای عالی کار عنوان می‌کنند که برای حضور در جلسه، هر زمانی که باشد آمادگی دارند و منتظر برگزاری آن هستند. آیا معاونت روابط کار و وزارت کار طرف این هفته یا هفته آینده، دعوتنامه‌ها را برای شای اجتماعی خود، یعنی نمایندگان کارگری و کارفرمایی صادر خواهد کرد؟! کارگران انتظار دارند، سید معاش ۴ میلیون و ۹۴۰ هزار تومانی در تعیین دستمزد ۹۹ به کار گرفته شود و در این شرایط ناگوار اقتصادی که به سر می‌بریم، حداقل برای یک بار هم که شده، بند دوم ماده ۴۱ قانون کار که می‌گوید دستمزد باید هزینه‌های حداقلی یک خانوار متوسط را تامین کند، برآورده شود اما بهتر است حرف آخر از زبان بهرام حسنی نژاد، فعال کارگری و دبیر سابق انجمن صنفی کارگران معدن چادرملو، بشنویم: «تا زمانی که کارگران تشکل‌های منسجم و ساختار یافته ندارند و چانه زنی‌های مزی آنها به یک بدنه متشکل اتکا ندارد، قدرت تأثیر گذاری چندانی در جلسات مزی نخواهند داشت اما با این حال، نباید از احقاق حق و پافشاری بر اجرای قانون دست بکشیم؛ دستمزدی که کف هزینه‌ها را تامین کند، بدیهی ترین حق طبقه کارگر است.»



به کرونا ویروس کاهش یابد. اما همه این تمهیدات، مربوط به «کارگران قانونی و رسمی تفکیک زباله در شهرداری تهران» و فرایند رسمی پسماند است و هیچ دخلی به کارگران غیر رسمی زباله گرد و کودکان مهاجری مانند «شنبه» ندارد. بسیار خوب و شایسته است که شهرداری تهران، عملیات تفکیک زباله و پسماند را به مدت یک ماه تا پایان احتمالی دوران خط، متوقف کرده است اما علاوه بر اینها، باید تمهیداتی برای کارگران مهاجر زباله گرد و کودکان زباله گرد، بیاندهند. البته راهکارهایی که با برخورد قهری و جمع آوری جبری همراه نباشد.

**چاره چیست؟!**

این کارگران بیشتر مهاجر، یک واقعیت مسلم هستند که اگر پیش از این برای ساماندهی و کاهش خطرات متنوع آنها فکری می‌شد، امروز، نگرانی بابت سلامت آنها تا این حد جدی نبوده؛ شاید تامین نیازهای اولیه این کودکان و کارگران، در عین نگهداری آنها در قرنطینه‌های امن و امکانات، بتواند خطر ابتلا به کرونا را برای آنها کمی کاهش دهد. در زباله‌های پر خطر مردم فرو بردن، تا اندازه زیادی کاهش دهد.

در مجموع، باید امکان «خطر نکردن» و در سرپناه‌های امن به سر بردن را برای همه فراهم کند تا «همه» بدون استثنا بتوانند دور از خطر بیماری کرونا و عواقب دردناک آن، روزگار بگذرانند؛ این امکان باید برای «شنبه» و بیش از ۴ هزار کودک زباله گرد دیگر در کلانشهر تهران فراهم شود. وقتی بحرانی همگانی رخ می‌دهد، دولت در قبال همه مسئولیت دارد و هیچ گروهی از افراد ساکن کشور، مستثنای نیستند. اسناد بالادستی، وظایف حاکمیتی دولت را در زمانه بحران به روشنی بیان کرده است. حالاً شنبه انگار مجبور است به خیابان بیاید و سر در سطل زباله‌های مردم فرو کند؛ نه جایی برای ماندن دارد و نه نانی برای خوردن؛ «شنبه»، چند روزی کار نکن؛ خطر خیلی زیاد است، گرفتار می‌شوی، بیمارستان، تنهایی و غربت...»

لیخند می‌زند (همان لیخندی که از ابتدا بر چهره دارد) و با نگاهی مثل نگاه یک فرد عاقل اندر سفیه می‌گوید: «شما از زندگی ما خبر ندارید؛ کار ما تعطیل بردار نیست!»

خارجی را تفکیک و شناسایی کنند و کودکانی که امکان بازگرداندن آنها به خانواده‌شان وجود دارد را به آغوش خانواده بازگردانند و اگر خانواده‌ها صلاحیت نگهداری از فرزندان خود را نداشته باشند با نظر قاضی دادگاه از آنها سلب صلاحیت شده و حضانت کودکان از آنها گرفته می‌شود. اما به نظر نمی‌سد، این اخطارها و نقشه راه‌هایی که فقط روی کاغذ نوشته می‌شوند و در رسانه‌های مختلف منتشر می‌شوند، تا امروز به جایی رسیده باشند چون هنوز امثال شنبه در خیابان‌ها هستند!

**«تعطیلی» برای شنبه نیست!**

شهرداری تهران، در روزهای گذشته، به دلیل گسترش ویروس کرونا اعلام کرده که زباله گردی و تفکیک زباله، حداقل برای یک ماه تعطیل می‌شود. دهم اسفند ماه، صدرالدین علیپور، مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهر تهران، با اشاره به حذف فرایند پسماند با توجه به شیوع کرونا ویروس در شهر تهران می‌گوید: از امروز فرایند تفکیک و بازیافت در ایستگاه‌های میانی پسماند و آرادکوه تعطیل شد و همه کارگرانی که در این حوزه‌ها کار می‌کنند برای به حداقل رساندن ابتلا به کرونا ویروس تعطیل شدند. همچنین به مناطق ۲۲ گانه شهر تهران ابلاغ شد که تفکیک زباله‌ها از مخازن تعطیل شود و این مساله از فردا یا پس فردا اجرایی می‌شود و همه فرایندهای اجرایی به مدت یک ماه به تأخیر خواهد افتاد. علیپور درباره کمبود ماسک و تجهیزات بهداشتی برای کارگران اظهار می‌کند: از هفته گذشته ابلاغ شد که کارگران به ماسک و دستکش مجهز شوند و در حال پیگیری برای اجرایی شدن آن هستیم. همچنین ضد عفونی روزانه دو نوبت محل اسکان کارگری نیز در دستور کار قرار گرفت. وی همچنین از شهروندان تهرانی درخواست کرد تا ماسک و دستکش‌های خود را در کیسه‌های جداگانه ای قرار دهند تا ریسک ابتلائی کارگران خدمات شهری

دوا و طبیعتش را من از اینجا می‌فرستم؛ من پول نفرستم، از زندگی می‌افتد؛ خودم هم اینجا خرج دارم؛ نان خالی که باید بخورم...» شنبه لیخند می‌زند و می‌گوید که مراقب است: بینید دستکش دست دارم؛ ماسک هم زده‌ام؛ خدا بزرگ است؛ مراقبم!

امانی داند که دستکش‌ها، یکبار مصرف هستند و نمی‌شود یک دستکش را از صبح پوشید و تا عصر، تا آنجی در زباله‌ها فرو رفت و دست به آلوده ترین چیزها زد؛ نمی‌داند که آن ماسکی که بر صورت دارد، به غایت آلوده است و راه تنفسش را به سیاهی و آلودگی آغشته کرده است؛ نمی‌داند که شاید بیماری و مرگ در همین نانی است که با تفکیک زباله به دست می‌آورد؛ البته شاید این آخری را می‌داند اما چاره‌ای ندارد...!

بدبختی اینجاست که آن چیزهایی که شنبه به دنبالش می‌گردد و باقی زباله‌های سطل سوامی کند، خطرناکترین چیزهای دنیاست: «پلاستیک». ماسک‌هایی که مردم دور می‌اندازند، همه دستکش‌های یکبار مصرف و همه ظروف یکبار مصرفی که قبلاً دیگران در آنها غذا خورده‌اند یا آب نوشیده‌اند، خیلی راحت می‌توانند منبع ویروس باشند و به جان ۱۸ ساله‌اش، ورود کند.

**نگرانی بسیار جدی است!**

نگرانی بابت «شنبه» و امثال او، نگرانی کمی نیست؛ او گرچه می‌خندد و می‌گوید ماسک و دستکش دارد (شاید به او گفته‌اند ماسک بزند و دستکش بپوشد اما نگفته‌اند که این ماسک و دستکش، از هر چیز دیگر زودتر آلوده می‌شوند و باید ساعت به ساعت تعویض شوند)، پس نمی‌شود بابت سر نوشت او و همگانش که کم هم نیستند، نگران نبود!

در آبان ماه سال جاری، محمود عباسی، رئیس کمیسیون حقوق کودکان وزارت دادگستری، آمار نگران کننده‌ای اعلام کرد؛ این مقام مسئول گفت: بر اساس آمار به دست آمده حدود ۴ هزار و ۶۰۰ کودک زباله گرد در تهران داریم که بیش از ۹۵ درصد آنها خارجی هستند.

وی البته تاکید کرد: شهرداری باید به کار پیمانکارانی که از کودکان بهره‌کشی اقتصادی می‌کنند، پایان دهد. وزارت کار و سازمان بهزیستی بر اساس برنامه‌ای که به آنها سپرده شده است باید کودکان کار ایرانی و

شاید تامین نیازهای اولیه کودکان و کارگران زباله گرد و در عین نگهداری آنها در قرنطینه‌های امن و امکانات، بتواند خطر ابتلا به کرونا را برای آنها کمی کاهش دهد. بسیار خوب و شایسته است که شهرداری تهران، عملیات تفکیک زباله و پسماند را به مدت یک ماه تا پایان احتمالی دوران خط، متوقف کرده است اما علاوه بر اینها، باید تمهیداتی برای کارگران مهاجر زباله گرد و کودکان زباله گرد، بیاندهند. البته راهکارهایی که با برخورد قهری و جمع آوری جبری همراه نباشد.

**«شنبه» در میان زباله‌ها!**

شاید تامین نیازهای اولیه کودکان و کارگران زباله گرد و در عین نگهداری آنها در قرنطینه‌های امن و امکانات، بتواند خطر ابتلا به کرونا را برای آنها کمی کاهش دهد. بسیار خوب و شایسته است که شهرداری تهران، عملیات تفکیک زباله و پسماند را به مدت یک ماه تا پایان احتمالی دوران خط، متوقف کرده است اما علاوه بر اینها، باید تمهیداتی برای کارگران مهاجر زباله گرد و کودکان زباله گرد، بیاندهند. البته راهکارهایی که با برخورد قهری و جمع آوری جبری همراه نباشد.

**«شنبه» در میان زباله‌ها!**

شاید تامین نیازهای اولیه کودکان و کارگران زباله گرد و در عین نگهداری آنها در قرنطینه‌های امن و امکانات، بتواند خطر ابتلا به کرونا را برای آنها کمی کاهش دهد. بسیار خوب و شایسته است که شهرداری تهران، عملیات تفکیک زباله و پسماند را به مدت یک ماه تا پایان احتمالی دوران خط، متوقف کرده است اما علاوه بر اینها، باید تمهیداتی برای کارگران مهاجر زباله گرد و کودکان زباله گرد، بیاندهند. البته راهکارهایی که با برخورد قهری و جمع آوری جبری همراه نباشد.

«شنبه» مهاجری است که بیش از دو سال است در ایران زباله گردی می‌کند؛ محل زندگی (البته زندگی نمی‌توان گفت، محلی برای سر به بالین گذاشتن‌های شبانه و رفع خستگی‌های بی پایان روزانه) اتفاقی کارگری در یکی از برج‌های نیمه تمام در شمال غرب تهران است که شنبه با پدر و عمویش که کارگران مهاجر ساختمانی و نگهبانان ساختمان هستند، در آن به سر می‌برد. کار این نوجوان زود به پیری رسیده، جمع آوری زباله‌های قابل بازیافت و به طور مشخص، «پلاستیک» است. او ماسکی آلوده به صورت دارد که به سیاهی می‌زند و با کمال تعجب، دست‌هایش از صورتش هم آلوده تر است. «چرا در خانه نمانده‌ای؟! مگر نگفته‌اند تفکیک زباله و زباله گردی، خیلی خطرناک است؟!»، شنبه پاسخ می‌دهد: «ینجا خانه‌ای ندارم؛ صبح که کارگرا و سرکارگرهای ساختمانی می‌آیند، باید از اتاقک بیرون بزنم؛ به علاوه، خواهری در افغانستان دارم که ناخوش است و بی شوهر؛ خرج



### گزارش

۴۷۰۰ کودک زباله گرد تهرانی در خطر ابتلا به کرونا نفس می‌کشند